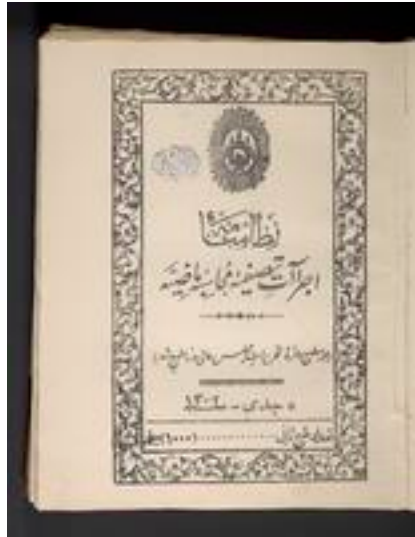


[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0677

<http://hdl.handle.net/2333.1/nvx0k6rn>

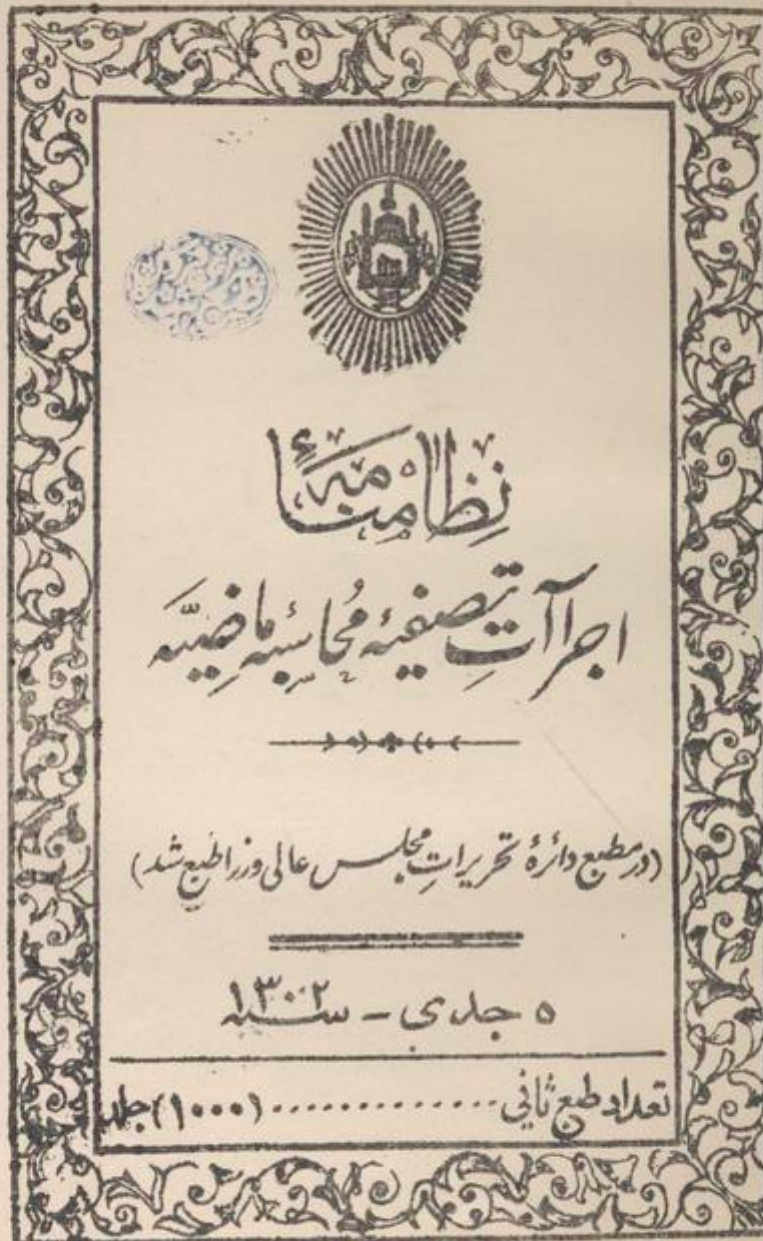


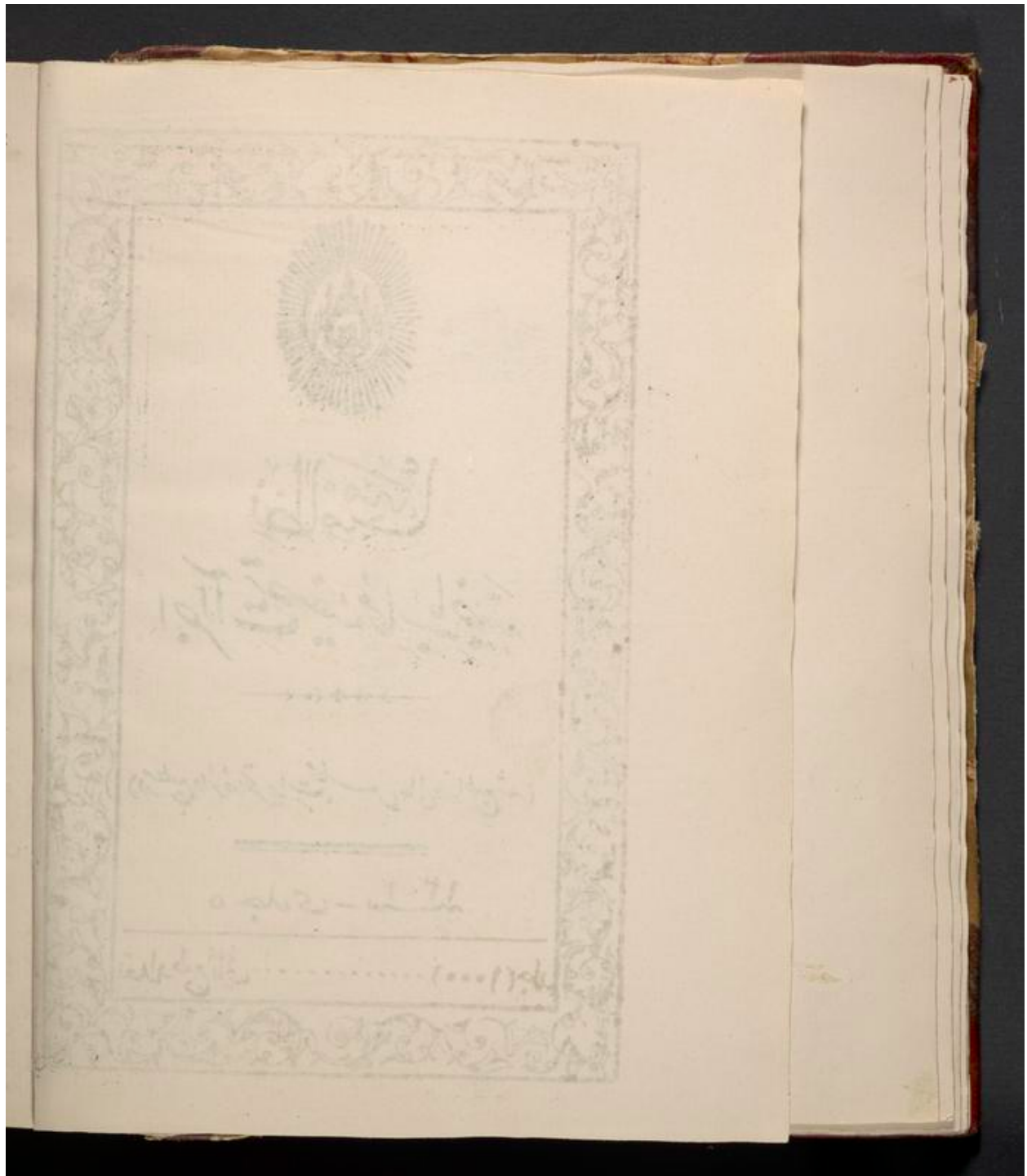
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







نظامنامه

اجراءات تصفیة محاسبه ماضیه

اصول کلیه

قاعده

۱: — در افغانستان تصفیة محاسبه ماضیه یکی مامورین
دولت و عهده داران و دیگر اشخاصیکه بالذات
بدولت مسئول شناخته میشوند مطابق اجراءات
ذیل تعیل میشود .

۲: — جناب ذمت رعایا مطابق نظامات و اعلانات
موضوعه که داخل معافی آمده است درین نظامنامه

تطبیق و مراعات و معروف نظر کرده میشود .

۳ : — این نظامنامه تصفیه محاسبه ماضیه و باره میباش

مأمورین و عهده براران و اشتخانی که بالذات

بدولت مسئول اند و از ابتدا اسفند قمری ۱۲۹۲

مطابق سنه (۱۳۸۳) شمسی الی آخر ۱۲۹۲

آخر سلطنت اعلی حضرت شهید شام مأموریت دولت

بودند تطبیق داده میشود برای حسابات و باقیات

ما قبل از سنه (۱۳۸۳) آتیان نظامنامه جداگانه

تنظیم خواهد یافت .

۴ : — جمع خرج ها و اوارجه ها نیکی تا حال قطع نشده و باقی

معین نشده بقرار فقرات ذیل اجرا شود .

الف : — حساباتیکه تعلق که ام داران و خزانه داران

و تحویلداران دولت باشد اسم و ولد و سکن

و مأموریت شان برای نصب الحکم و راه

حکومتی برای اعلی خبر داده شود که خود نفری را

خواستار در مال ملک و جا داد نشان

بواسطه علاقه دار قریه دار و کلاسه

فنتجه نكاته دار علم آوری شود بدون از علم آوری
جادو مال ملک و دیگر هیچ تکلیف بالای او
و اتقاقات او نشود پس از علم آوری صورت
تحقیقات خود را بدیریت تصفیة محاسبه
روانه کنند .

ب :- ما مورین محاسبه علم در حساب مذکور
بیاورند که بعد از مغزولی او مالهای ذمه گلی و
موجودی شده و یا موجودی نشده اگر
موجودی شده باشد اتمام کار مذکور بچند مو
د و چهره صرف میشود جادو شخص حسابده چیت اگر جادو
شخص حسابده اضافه و مصرف ساختن حساب
او کمتر شود حساب او تمام و باقی او معین
شود و الا که شخص حساب ده جادو نداشته
باشد و یا جادو آن از مصرف ساختن
حساب شان کمتر باشد و ساختن حساب
آن حاصل بولت نداشته باشد درین
قسم حساب صرف نظر کرده شود .

ج :- محاسبانیکه قطع نشده باشد و تحویلداران
و کارداران فوت و فرار و لاجا و اد باشد
مأمورین محاسبه علم خود را بیاورند که حساب
تحویلی او بجا است چیزی موجود است و یا موجود نیست
اگر موجود باشد آدم مقرر کرده موجود است
و تحویل تحویلدار نماید و الا که موجود نباشد
ساختن حساب تکلیف زیاد و لا حاصل باشد
صرف نظر کرده شود .

د :- چون مدعا از حساب علم آوری دخل و خرج است
اگر جمع و خرج ساخته و باقی برآمده باشد
باقی از قرار جمع و خرج و اگر جمع ساخته نشده باشد
او ارجه قطع و تمام باشد از قرار باقی ارجه
و اگر او ارجه نباشد روزنامه و ریپوشت
که فاضل و باقی نوشته داشته باشد
و یا او ارجه رقم که رقم بر رقم آن باقی برآمده
باشد باقی حساب معلوم میشود هر قسم
حساب که باقی حال معلوم شود همان قسم

حساب درست است حاجت بساختن جمع
و خرج و خلاصه علیحدہ ندارد و الا که اوارج
و روزنامه و جمع و خرج اسباب حساب
موجود نشود و خود عامل و ضابط و کار و رفوت
و قرار و لاجا داد باشد صرف نظر کرده شود.

۵ :- در باب حساباتیکه ناتمام باشد و قطع فیصله آن
ضرور ملاحظه شود بقرار فقرات ذیل اجرا شود :-
الف :- محاسباتیکه عامل و ضابط مقرر شد
و عامل و ضابط آن حیات باشد حسابات
مذکور را قطع و تمام نمایند .

ب :- محاسباتیکه عامل و ضابط داشته باشد
و فوت و قرار باشد و ورثه آن صاحب پیدا
باشد باید خود ورثه و یا وکیل او که موجود باشد
حساب را قطع کند و یا وکیل جدید بگبید
و اگر ورثه مذکور نداشته باشد و یا ورثه
او صغیر باشد از طرف دولت نویسنده
موقتی گرفته حساب مذکور تمام شود و تنخواه

نویسنده از ورثه او گرفته شود

ج :- محاسبانیکه تخویدار و ضابطه داشته
نویسنده بلیعه مقرر می نداشته باشد و
یا نویسنده آن فوت و فرار و لا وارث
ولا جاداد بوده باشد نویسنده موقتی گرفته
حساب مذکور قطع شود و تقوا به بخت در مضای
مأمورین تصفیة محاسبه از دولت داده
شود .

۶ :- در باب تصفیة باقی باقیمان که بعد از مجرای
در کاتیکه در معطل و تحقیق طلب مانده بود و بقرار
قواعد شعبه اول در تحت مجرائی و معافی آمده باقی
بذمه مأمورین دولت و یا عهده برار مانده مانور
تصفیة محاسبه ماضیه صورت باقی ذمه گن او را
تفصیل دارند نویسند اگر از ایالت کابل باشند
برای دایه کابل روانه بدارند و اگر از ولایات
و حکومتیهای اعلی باشد برای انب الحکومه و حکام
اعلی بنویسند که (فلان شخص) این (فلان شخص)

ما مور فلان مأموریت اینقدر وجه از فلان سال
دارای دارد و خود او را خواسته مدلل میکند که اگر
بند خود باقی مذکور راقب بداند خط قبولی با شرائط
رسانید آن بهر محکم شرعی گرفته روانه کند
والا که وجه مذکور را بداند خود حق نداند و رسید
حسابی داشته باشد که در مجرائی محاسبه او ملا
نشد باشد نقل سندات او را بتاریخ و سال
واسم تولیدار و ثبت صفیه کتاب که بآن ثبت است
ورق ساخته بحضور حکومتی حاضر دارد که علم در
سندات او بیاورند و بعد از علم آوری و درق
مذکور او را دره تصفیه محاسبه مانعیه روانه کند
که حسابات او بلیق بدینند والا که سند است
او بزنداشته باشد خط شرعی گرفته شود که الی
(۳) ماه بجاال حاضر شود و در فیصای حساب
خود علم بیاورد اگر از دو ماه الی (۶) ماه حاضر
نشد وجه باقی قطعاً بالا می آید و ادعای خود
۷ - جمع و خرج باینکه قطع شده و یا اوارجه باینکه

تمام شده و باقی آن معین شده علاوه
سجش و ملاحظه سندات ضرورت ندارد
بپایان صورت که فیصله شده درست است
باقی آن بجهت ارجاع مقرر که ایضا ح
یافته فیصله شود .

نظام اجراءات

۱- تشخیصیکه در یک مأموریت دولت مستخدم بود
و خدمت کرده اند در زمان خدمت تنخواه برای
ادواده نشده و حالا در محاسبه خود باقیدار
است بقرار ذیل اجراء تطبیق شود .
الف- اگر تنخواه شخصی دیا و طیفه دیا مستمری
از طرف دولت برای او مقرر بوده و تنخواه
زمان مأموریت او حال داده نشده باشد
تنخواه شخصی یا طیفه دیا مستمری زمان مأموریت او
بعوض باقی او بعد تحقیق که از دیگر دفتر نبرد

باشد مجری داده شود .

ب :- اگر تخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری مقرر
نداشت سه سال قبل از ملازمت و مأموریت
او دقیق شود هر قدر تخواه که برای کار مذکور
داده شده باشد سه یکم سه ساله یکم
تخواه یکساله او شمرده شود، و اگر بابت
تخواه سه ساله معین نشود از روزی بابت
تخواه یکساله گذشته هر قدر که ملازمست
کرده باشد برای او مجری داده شود .

ج :- اگر در گذشته مأمورین اسبق تخواه برده
باشند در اینصورت بدیگر مأموریت که
کار آن مطابق خدمت او بوده باشد
تطبیق داده تخواه برای او مجری داده
شود .

۹ :- تخواه اعمال و ضابط و تحویلدار و بیاده و ترارودا
و وفایف و مستمری مستمری خواران و ملکانه ملکا
از قرار مقرر برای همه ساله و منظور می گذارند

۱۰

در جمع و خرج با مجری شده و خرج دسترخوان حکومتی
و مخارج جشن با وعیدین که بقرار حکمائیه حکام ماضیه
در جمع و خرج با مجری شده و باز بصیغه سند طلب
بازگشت شده و در باقی افتاده مطابق مقرری
و منظور می گذشته و مطابق حکمائیه ماضیه
حکام که در خصوص خرج دسترخوان و مخارج
جشن با وعیدین احکام نموده اند مجری شود
و اگر در جمع و خرج با مجری نشده باشد هم بقتضای
مقرری مجری داده شود.

۱۰: — در باب معطلی ثراه زده گی و بلخ خورده گی و آب برده
املاک و خشک و خراب و قنات و کار نیز خورده و
زمین مائیکه داخل سرک رفته باشد و یا داخل
رباط شده باشد و فوئی و فراری انسانیکه در
جمع نامور یا عهده بر آورده باشد و یا تکلیف
زده گی و یا سونته لی غله که در جمع و خرج با بصیغه سند
طلب معطل مانده باشد اگر در همان زمان مجلاسه
شرعی و اعرفی و یا تصدیق حاکم و دفتر می شده باشد

بقرار مجلّه و تصدیق مذکور مجری داده شود. در باب
املاک آب برده و شک و خراب علی التفصیل برای
مستوفیان حائیه اطلاع داده شود که اگر آئینده
و افس آباد شده باشند و در جمع و فقر جدید
یا غیره نیامده باشند و فرود کرده شود و استخای
اصنافی شان بد فقر داخل بوده از پیشه خود دست بردا
شده باشند بقرار مجلّه و تصدیق حکام نیز را
شان مجری داده شود.

۱۱: — در باب درکات لاقبولی رعایا که بقرار او عای

ادعا طلب یا را پورت مخبر و یا قلمد و ملک در جمع
قریه جات بسته شده و رعایا قبول دارند شده
در گذشته و آئینده گرفته نشود و وجه مذکور را
نرسانیده اند و در حسابات در باقی بهیضه
لاقبولی افتاده درکات مذکور بخرج حسابات
مذکور مجری شود.

۱۲: — در خصوص بندر املاک سرکاری و تنخواه کار
و باغبان و خوراک مرکب و مصارف و مصالح

۱۲

الاملاک که مطابق سر رشته دفتر مجامعی شرعی یا
 رسید عرفی در جمع و خرج باجری شده بود در حین
 سنجش حساب بصیغه سند طلب بازگشت شده
 و تا حال سند سرکاری گرفته نشده و در باقی افتاد
 مطابق سر رشته دفتر که حاصل از بزرگم نباشد
 و یا بنا بر آفات کسر کرده باشد بقرارد قبض شرعی
 یا عرفی و اقسام جیره خور که مال و تنخواه مرکب
 و باغبان در جمع و خرج مطابق بست سابقه
 مجری داده شود .

۱۳: — باقی جنس غله باب که در باقی جمع و خرج ما افتاده
 و قیمت آن از قرار تغییر مندی ولایت شده
 چون هر محال بخود تغییر و قیمت ملحده دارد قیمت
 هر کدام موافق قیمت خود همان محال گرفته شود
 اگر قیمت محال معین نشود کراه آن از روی
 بعد سافت مندی مطابق رواج رعیتی و
 محصول آن فیصد پنجر و پیه مجری کرده شود .

۱۴: — در باب کراه که ام که غله و اجناس سرکاری را

رسانده و رسید که ام را گرفته معطل رسید شری
و یا برات سرکاری دفتر بوده در جمع و خرج باجری
شده و در ثانی بدیوان بخش بازگشت شده
و در باقی بصیغه سند طلب افتاده گواه مذکور
مطابق سند یا جمع کدام وار و اندازه استبعاد
مواضع و قاعده گذشته مجری داده شود .

۱۵: رسیدات که امداران که اسامی رعایا بدست
دارند و رسیدات مذکور را که امداران و یا
تحویلاتاران در جمع خود بسته نکرده بدیوان بخش
رسید مذکور را داخل اضافه بر باقی عامل نموده
در تحقیق طلب مانده است و تا حال بخرج مجری نشده
رسیدات مذکور بعد از تحقیق مهر گد امدار و تحویلات
بخرج عاملان مجری داده شود .

الف: گد امداران و تحویلاتاران که حیات باشند
و یا جاداد و اسقطه باشند بالایی خودشان
حواله شود .

ب: اشخاصیکه فوت و فرار و لاجداد باشند

از دولت مجری داده شود .

۱۶ :- ماورینیکه بعد از قطع محاسبه در حسابات خود

فاضل و باقی دارند بقرار ذیل اجرا شود .

الف :- گداهاران و تحویلداران سیکه خرید

وفروش دارند از یک رقم جنس فاضل

و از دیگر رقم جنس باقی باشند فاضله آنها

به تغییر میان سال باقی شان بقیمت میان

سال معین شود فاضله از باقی مجری داده

شود و اگر خرید و فروش نداشته باشند

فاضله جو عوض باقی جوارسی و یا فاضله جوار

عوض باقی جوارست را قیمت فوق مجری

شود .

ب :- تحویلدارانیکه جنس تحویل شان شده و همچنین

جنسی بصرف رسانیده و در حساب خود

فاضل و باقی گردیده اند فاضله های سالهای

ما قبل و ما بعد شان که برقم باقی بقیمت برابر

باشد مجری داده شود .

ج :- اجناسیکه در چین مصارف تغییر رقم واقع
شده باشد اگر تغییر رقم برنگ باشد
یک رنگ بدیگر رنگ مجری شود، اگر بعض
و طول باشد از اجناس قیمت بها که در عرض از
یک گره الی سه گره و در طول از یک گره الی
چهار گره که تفاوت داشته باشد مجری
داده شود، از اجناس کم بها مثل گلیم و
شطرنجی و قالین در عرض از چهار گره الی
شش گره و در طول از شش الی هشت
گره و در طول از شش الی هشت گره که باشد
مجری داده شود .

د :- اگر تفاوت رقم از تغییر رقم باشد مثلاً
کشیره نخ و شمشی مخلوط و یا سندی شال
دابر و لنگی زری و ساد که بقیمت
تفاوت دارند و مسکال رطوبت و مسکال
دبرنج و آهن و فولاد و تفنگ انگریز
و کابلی و پناه پر و دهن پر و غیره و غیره

چند نفر از مأمورین تصفیه محاسبه باتفاق
علم آورده هر قدر تغییرات مذکور نزدیک
به دیگر از یک رقم باشد باتفاق دستخط نمود
از جنس هر رقم بر رقم آن مجری شود.

۱۶: - اجناسیکه در باقی تولیداران باشد و اجناس
مذکور موجود نباشد بقراریت همان سال که مال
تحویل او شده قیمت آن گرفته شود.

۱۷: - کسانیکه فوت یا مطلق نامعلوم باشند مال
تحویلی او شان موجودی نشده باشد بتحویل
دیگر تولیداران نگرده باشد مأمورین تصفیه
محاسبه ماضیه با جازات آمر مافوق خودشان
اشخاص معتقد مقرر داشته مال موجوده او
بتحویل تولیدارانیکه لازم باشد بتحویل بدارند
و رسید تولیداران را بخرج حساب مذکور مجری
بدارند.

۱۸: - خوراکه مال مواشی که از ملک و گدایان
سرکاری ملازمین کنند بقرار رسید ماس

یک مهر خود را گرفته و در خرج حسابات مجری شده و در ثانی
سجشیها بازگشت کرده و در - باقی بصیغه سند
طلب آورده اند بقرار ذیل اجرا کرده شود -
الف :- بدقت کند علم آورده شود اگر جیره مقرر
همان مال مواشی بدقت مانده باشد مجری
واده شود .

ب :- اگر بدقت سرکاری جیره مقرر مال مواشی
طلب مانده باشد قبض نامی مذکور را بخرج
عاملان مجری بدهند .

ج :- نایبانیکه حیات باشند و جاداد داشته
باشند رسید نامی یک مهرشان که جیره مال
خود را برده باشند با سمس خودشان حواله
شود نایبانیکه فوت و فرار باشند و یا جاداد
نداشته باشند بعد از استحصال اسناد
قوی که در فوت بودن و ولادارث و بیجا داد
بودن این نایبانیکه شمرده شود و بطور
باقیات صرف نظر کرده شود اسناد قوی

مراد از محلامی شرعی که در آن تصدیق کلامتر
گذروا تصدیق علاقه دار و قریه دار و از
حاکم باشد سند گفته میشود.

۲۰- در باب خوراکه نظامی که از که اجهای سه کاری
و از نزد دفتر یان ملک بقرار رفته و رسید خود را
گرفته باشند تفصیل ذیل اجرا گردد:-

الف:- بدو دفتر نظام علم آوری شود اگر بقرار قلمدا
و قریان به تنخواه او شان مجری شده باشد
برای عاملان و که امداران مجری او شود.
ب:- اگر تنخواه نظامی بهین سه من بدو دفتر نظام
معطل کرده شده باشد حالا بموجب سند
شان بداخل تشخیص تنخواه شان مجری نموده برای
عمال و که امداران مجری داده شود.

ج:- اگر نظامی تنخواه خود را کاملاً برده باشند
بالای همان نظامی حواله کرده شود و برای
عمال و که امداران مجری داده شود.

د:- اگر نظامی فوت و لا وارث و بیجا واد

شناخته شود مطابق قاعده فوق الذکر که
در باره نمایان کند تحریر یافته بعمل آورده از
لحرف دولت معاف گفته میشود .

۲۱: سند و رکاتیکه در جمع عهده دار و یا امانی کار بسته
شده باشد و بدیگر موضع تکرار داخل قلمداد شده
باشد و یا در جمع عهده دار علمی بسته شده باشد
تکراری آن از قلم در مجلای شرعی و عرس
که بتصدیق حکام و دفتران بنان زمان رسیده
باشد و یا حالا بقتل قاعده و دفتر تکراری آن
ثابت شود در حساب مجری داده شود .

۲۲: در خصوص املاک صدکای و بندرات و گزات
و عمل للمی و تسبری و غیره که مأمورین دولت محترم
بودند و در عمل مأموریت شان نسبت به سال گذشته
کسر واقع شده و در قریان کسر عمل گفته در حسابات
شان افزود و تحصیلدار داده اند در کات کسر
عمل در حساب مجری شود .

۲۳: عهده دارانیکه املاک صدکای و یادجات

متعهد شده اند و یا بطور تقاوی برای خریداری
اشیا بشرای معینه مستردا و نموده اند و از طرف
دولت بشرای قرار دادشان رقرار نشده و اما
حساب شان قطع نگردیده باشد قرار ذیل اجرا شود
و اگر سابق حساب شان قطع شده باشد و بهمان
صورتیکه قطع شده درست است :

الف :- بعضی معاملات را مثلاً پنجاه ساله قرار داد
نموده اند و در بین یکسال و ده سال از طرف
دولت بدون قصور اجاره دار حکماً فسخ
عهدشان شده باشد یا شده سالهای را
که کاملاً عمل کرده باشند بقرار عهد و بزاری
شان حساب و گرفته شود و بهمان سال
ناقص که اجاره شان از طرف دولت فسخ
شده است اضافه عهد و برابر معاف
و اصل آن را بدون اضافه جمع گرفته تا ریخ
عمل گردی شان سنجیده و گرفته شود
و اگر خود عهد و برابر استغنی شده باشد

و یا از طرف دولت بسبب بد معاملگی شان
منسوخ تعهد آنها گردیده باشد تاریخ عمل
گردی آنها از قرار اصل اضافه گرفته
شود .

ب :- بعضی معاملات را بشرط تقاوی و یا
آبادی کاری و جوی و غیره تعهد قبولدار
شده اند و از طرف دولت شرایط مذکور
اجرا نشده و حساب اینطور کسان از قرار
اصل جمع بدون اضافه قطع شود و اگر
اینچنین املاک لا مزروع بوده هیچ عمل نگردد
باشد قطعاً معاف شود .

ج :- بعضی اجناس که به نرخ معین تسلیم شده
شده بشرط تقاوی هر قدر وجه آنرا
برده باشند از قرار نرخ قرار داد بگری
شود و هر قدر وجه آن داده نشده باشد
تقاویت نرخ آن گرفته نشود .

۱۴ :- اسباب خورد و دریزه که قیمت آن هر که ام

یکشاهی دستارالی بیکر و پیه شود مثل قطعه باز
و شطرنج دگوت تحت زرد و صابون و قلم و پاکت غیر
که نگهبان آن تکلیف بوده در باقی تحویلدار آمده
باشد مجری داده شود .

۲۵: بعضی اجناس که بخر میرسد مثلاً در خانه سامانها
پاکت و کاغذ این کاغذ گیر کتابچه سرسبزی شمع
آن که برای مصارف و بقدر ضرورت داده
شده و تصدیق مصرف را حاصل نکرده در بار
افتاده این قسم اشیا مجری شود .

۲۶: بعضی اجناس که در جمع و خرج ما به تحویلدار
از بودی گذشته با اسم و اغمه تحویل شده
و یا اسبابیکه از تحویل خود تحویلدار با استعمال
و اغمه میشود و اغمه آن قیمت ندارد و نگهبان است
آن برای تحویلدار آن تکلیف است اینها سبب
در حسابات ماضیه مجری داده شود .

۲۷: اشیا بیکه از وفراپادشاهی تقاضای گرفته بود
که اینقدر اشیا میرسانم و اگر به این موعده

۲۳

نرسانیدم اینقدر جریمه میسید هم و دقیرایان جریمه
مذکور را در باقی ادا کرده و نموده اند جریمه آن معا
کرده شد گرفته نمیشود .

۲۸: — اشتها صیکه وجه تفاوتی براسی خرید اشتیا گرفته
بودند که باینقت رزخ بالمقطع اینقدر اشتیا
میرسانم و بدفاتر پادشاهی جنس مذکور بقرار
قبولی شان کجج شان بسته شده چون جنس را
نرسانیده اند از قرار قیمت ماه گران بالا
شان قیمت شده دولت تفاوت تعبیر ماه
گران را معاف فرموده باقی نرسیده کی شانرا
از قرار وجوب کرده کی و تراود شان حساب کرده شود

۲۹: — باقیات هائیکه از سالهای گذشته الی اخیر^{۱۲۸۱}
شمس در حسابات تحصیلداران باقی مانده است
سال بسال از حساب یک تحصیلدار بجا یک تحصیلدار
داوده شده همه اینقسم باقیات که الی پانزده سال
قبل ازین باشد کم شود و موافق نظامنامه که در باره
باقیات قبل از پانزده ساله وضع میشود در آنجا

معمول دارند .

۳۰: — جریمه جاتی که از باعث غفلت خدمت و یا بشبه
دزدی و غیره جریمه شده باشد و خود مجرم فوت
باشد جریمه از ورثه گرفته نشود، جریمه مذکور مجرم
داده شود .

۳۱: — کسر خشک چوب سوخت و صابون و رنگ
و ریش و انار پوست بقرار امتحان آنیکه در سابق
امتحان شده مجرمی داده میشود .

۳۲: — اشیائی که بذمه تحویلداران از سالهای ماضیه
باقیمانده و سال بسال در جمع و خرج مانده شان
باقی افتاده آنچنان اشیائی که کهنه و خراب
و فرسوده میشود و یا شکست و ریخت پیدا میکند
امثال بوریا و ترنگن و تنگ و تورپه و جوال
و بوری و ریمان نخ و موئی و چاقی و کوزه و افتاب
گللی و جاروب و پکه و قلیه تیل سوز و شیشه قلعین
و آئینه قلعی و غیره چیزائی که جنس مانع و بهر امین
مثل پیرول و تیل خاک و شربتیات و غیره و شال

مجری داده شود .

۳۳: — خانه مانیکه برای گدام سرکاری و یا برای نشین مأمورین

دولت بکرایه گرفته شده باشد و یا دکانهایی

یعنی که براسی پهره ای کوته الی بکرایه گرفته شده

اینطور کرایه بموجب تصدیق مأمورین همان زمان

که موجود باشد و یا در حساب نشان داده شده باشد

مجری داده شود .

۳۴: — دکانهایی سرکاری و حمام و سراپها که خراب

شده و یا کرایه نشین پیدا نشده عاملان سرکار

مجلسی خرابی و لاعمل بودن آنرا بدست دارند و

دفتریان متدارک سالهای گذشته در جمع

عاملان بسته اند از قرار تصدیق مانیکه بدقرا

داخل است یا موجود باشد مجری کرده شود .

۳۵: — تغییر رقم کاغذات صکوکات ذمه مأمورین که

یک رقم باقی قیمت گذاشته شده و وجهت

باقی افتاده و از دیگر رقم فاضل می باشد مأمورین

انهار دارند که بسبب اجرامی کار از یک رقم

۲۶

بعوض دیگر رقم بمصرف رسیده در اینصورت
فاضل و باقی آن از قمار قیمت معینه تعیین گردیده
بحری کرده شود و اگر قیمت فاضله اضافه شود
استحقاق مجرائی را ندارد .

۳۶: — اسپ ناسی قطعی و مرکب و اشتر کند که پوست و
داغ دوم آنرا تحویل نموده اند و سبب تغییر نشان
در ناس مجری داده نشده است و بر ذمه نایبان
به چنان باقی گذاشته و یا قیمت آن معین گردیده
و نه کی نایبان گفته میشود در اینصورت اسپ
که بر کپور و سرخک و سرخک و سمنه بسمند مجری
کرده شود نشان چند تا سفید و یا یک پاسفید
و تشقه بر ناس تحقیق نشود .

۳۷: — غله گدا مهاباد و مجرائی آورده و بقرار اجازة مرکز
و یا بقرار صوابدید و حکمانه ناس حکام برای
رعایا بصیغه تقاوی داده شده و گدا مهاباد
حجت شرعی و یا عرفی بتصدیق حاکم گرفته خود گدا مهاباد
فوت شده و یا موقوف گردیده تقاوی مذکور را

بدقت قلمداد داده و از دفتر برای تحویلدار داده شده
و در نقد رسال تحویلدار با غفلت نموده الحال که باقی
رعایا در تحت معافی آمده از قرار سندات رعایا
و حکمنامه ما براب که امداران مجری داده شود .

۳۸: — تعمیرات سرکاری که برای مستاجر بطور اجماره
قرار داده شده و اخراجات آن بقرار پیمایش اول
داده شده چون در نقد رسال پیمایش ثانی
نشده اصل حواله داده گی در باقی کارداران
باقی افتاده اگر اسحال پیمایش ثانی شود چون سالها
گذشته در تعمیر مذکور تغییرات زیاد شده اگر
تصدیق تمامی کار مذکور موجود باشد بقرار پیمایش
اول مجری داده شود .

۳۹: — اشیائی که در جشن ما و عیدین و غیره شکست و
پیدا کرده و یا مفقود شده باشد در همان تاریخ
تصدیق کارداران همان زمان را تحویلداران
بدست داشته باشند تصدیق مذکور بخرج
تحویلداران مجری کرده شود .

۴۰: — در باب مرئوسکاری و کما به کل کاری تعمیر ربا لها - و
چا وینهای عسکری و پلها و عمارات شاهي
که بقرار رفته حکام و منصبداران نظامی شده
و دقتریان مخارج آنرا مجری نداده و فرمان پادشا
را طالب میباشند اگر مصرف مذکور براس
دولت باشد و مکتوب و خط حاکم و منصبدار بها
وقت بدقترسکاری داخل باشد مجری
داده شود .

۴۱: — عامل و ضابط و اجاره دارانیکه بعد از معزولی
بدقتر پادشاهی حاضر شده باشد و باقی
ذمه گی خود را جزو جاداد قبولی داده و از دقتر تحقیق
شده و سند آن ملاحظه شده باشد و تحصیل
داده شده و اختیار حواله و تحصیل از عامل و اجار
دار سلب شده از زمان جاداد داده گی سالها
گذشته و از یک تحصیلدار بدیگر تحصیلدار دست
بدست گشته و تحصیلداران غفلت نموده اند جاداد
مذکور علم آورده شود هر قدر در جاداد مذکور قبولی

اسامی و سند آن موجود باشد و داخل معافی امالی
 نیامده باشد گرفته شود و هر قدر فوت و منتهی ار
 و لا حصول و سند قبولی آن باشد چون عمال اختیار
 تحصیل را نداشته و از خدمت موقوف شده بود
 ملزم گفته میشوند لا حصولی شان مجری داده شود
 ۴۲: — عمال و ضابط و عهده دار که وجه دولت بزمه شا
 باقی مانده باشد و جاداد خود را بزمه رعایا بدهند
 جاداد سالهای سابق را که بدفاتر پادشاهی
 بزمه رعایا تسلیم نموده باشد و تحصیل در بقدر
 سال در تحصیل آن غفلت نموده باشد یا دقت بسیار
 تحصیل دارند داده باشند اگر بقرار سند حسابی
 جاداد و شان صحت باشد چون باقی دمه گی
 رعایا تحت معافی می آید مجری داده شود .

۴۳: — اشخاصیکه بقتل مفروزی و یا ناقل و مهاجر بامر
 دولت از یک ملک بدیگر ملک آورده شده
 قهاری و بذر داده شده و یا مالیه املاک بزمه
 شان مانده در ثانی املاک از تر و شان و پس گرفته

شده خودشان فوت یا فساد و یا بطلان صله
خود مراجعت نمودند باقی ذمه گي شان در حساب
معاف و مجري داده شود .

۴۴: — اشخاصيکه از مأمورين و اجاره داران باقیده سرکار
باشند و اسم شان بدفتر باشد محل سکونت آن از
از دفاتر یا دوشاهی معین نشود مأمورين محاسبه
تا حد امکان تحقیق نمایند اگر ممکن معلوم کردن
نشود بموجب سند تحقیق باقی مذکور در جمله لاهق
آورده شود .

۴۵: — مأمورين و اجاره داران که باقی ده سرکار
باشند خواه نقد خواه جنس سکونت شان از مرکز
ولایت الی شش کروهي باشد الی پنجره پیه و از
شش کروهي الی پنجاه کروهي تا بیست و پیه باید
در تحت تحصیل و حواله داده نشود در جمع و خرج با تقسم
معافی مجري داده شود .

۴۶: — مأمورين و غصبه داران که بسبب باقیات
در مجبوسخانه میباشد چون در تصفیة محاسبه

شان علم آوری نشده عجمائاً فقرات کار نفری
مذکور فیصله شود.

۴۷: — مأمورین و عهده دارانیکه در حسابات شان باقی
بودند و باقی شان قبل از فیصله تحصیلدار داده شد
و اشتغال صیکه بدون حساب بطریق ریزش بالا
شان حواله شده باقی مذکور را دستخط قبولی
نموده اند باقیات مذکور تا حال مانده باقیات
مذکور و سپس تسلیم مأمورین تصفیه محاسبه ماضیه
که فهرست را بقرار قواعد این نظامنامه فیصله
نموده فقره بفقره مذکور که تصفیه و تمام گردید
باقی آنرا بعد از قبولی تحصیلدار بدهند.

۴۸: — مأمورین و اجاره دارانیکه در یک ولایت
مأمور بوده و باقیدار شده و حال خودشان
بدیگر ولایت بوده باشند و از یک ولایت
باقی شان بدیگر ولایت قلمداد شده و در
حساب خود گفتگو می نمایند بدو تفریق اجرا
شود :-

الف :- باقی که بر ذمه مأمورین و اجاره داران
مانده باشد و باقی شخصی گشته شود نقل و ارجه
و نقل حساب او از بهمان ولایت خواسته
شود و روانه دارند قباب طلب رعایا
که از قسم برداشت مأمورین باشد
و سندات برداشت شان نزد رعایا
باشد و مأمورین در اینجا عذر ملاحظه کنند
خود را بدارند در این صورت یا خود اسما
بو ولایت منسوبه اش رفته فیصله میدارند
و یا وکیل گرفته روانه میدارند اگر قبوله دار
باشد ادای دین میدارد .

ب :- باقی که از قسم جاداد ملک باشد
اگر جاداد مذکور در ملک باشد واپس
برای نائب الحکومه و ستونی روانه
شود که علم در جاداد و فقره گفتگویی آورد
هر قدر که در تحت معافی و ذمه گی رعایا
باشد معاف و باقی آنرا مطابق قواعد

لطفاً نامه بجا بیاورند .

۴۹: — در کاتیکه در وقت مصارفات تشخیص و اخراجات
 و انچه طلب حواله داده شده و ذانچه آن بخت
 تحویل نشده و یا از جیره خور و کسرات شهر
 گردانیده نشده و یا بعضی فقرات تصدیق طلب
 و حیاتی طلب که برات داده شده و یا جیره و خر
 مفرو رین بند می که الی تقدیم نمودن حضور از
 دفتر خجی داده شده و یا بعضی بروات را
 بدون پامهری برای اسمی داده اند و امثال
 این فقرات که ذمه گی رعایا گفته می شود
 معاف است .

۵۰: — در باب دیت مقولین که شرعاً بالاسی رعایا
 دیت شده و یا تاوان مال سروق که بالاسی
 رعایا امر و اوان شده و بالاسی آن جریمه سرکار
 نیز افزوده شده و در جمع و خرج ماباقی می باشد
 بقرار فقرات ذیل فیصله شود: —
 الف: — جریمه سرکاری هر قدر که حصول شده باشد

و بجز آن دولت رسیده باشد مجری است و
هر قدر که از رعایا گرفته شده و به سرکار
نرسیده باشد از عامل و ضابط و حکام
گرفته و تحویل خزانه شود و باقی که بر ذمه رعایا
بماند چون ذمه گی رعایا در تحت مسافری آمده
مجری داده شود.

ع ب :- وجه دیت که تعلق ورثه مقتولین صاحب
مال داشته باشد اگر موافق شرعی باشد
و بر ذمه امالی باقی مانده باشد بقرار امر شرعی
و نظامنامه مخصوص آن تحصیل و برای ورثه
و صاحب مال داده میشود و از کسانی که
وجه دیت شرعی شان حصول شده و بجز آن
دولت میباید و برای ورثه مقتول
داده نشده باشد بقرار رسید شرعی
برای ورثه مقتول بالای خزانه برات
داده شود. اما فیصله اولیه قاضی
که در باب دیت اجرا شده ملاحظه شود

تأحق در شئ حقیق برائے دیگر می داده نشود و اما
مال و دیت مانیکه بقرار احکام کتابچه حکومتی
شده باشد و بر ذمه ائالی باقی باشد
گرفته نمیشود و معاف است .

۵۱: — وجه اعانه طرابلس غرب و عروسی معین السلطنه
صاحب و وجه خیرات و وجه مهرانه که مأمورین
وائالی قبول دارند و عرصه و جرمیه و غیره
که بدخاطر سرکار بی داخل است و تا حال برسد
و باقی مانده معاف گفته میشود مجری داده شود .

شرائط اقساط

۵۲: — اشخاصیکه باقی شان بقرار قواعد و هدایات
این نظامنامه بصحت برسد مطابق بیانات
ذیل تحصیل کرده میشود: —
الف: — کسانیکه قبل ازین باقیات خود را قبول دارند اگر
دولت بهر اه او شان قسط نموده است

عناهمان قسط حکم منقوری دارد اخلال کرد
نیشود .

ب: کسانی که باقیات شان بر حسب اخراجات
این نظام معین میشود و قبوله دارند
هرگاه صاحب جاداد باشند در کابل
بدریعه والی و در ولایات بواسطه نائب حکومت
و حکام اعلیٰ نظر هستی و جاداد همان باقیه
از یکسال الی پانزده سال قسط مقرر نمود
برای دولت حجت حاصل میدارند .

ج: اشخاصیکه باقی ده بد دولت بوده جاداد
نداشته باشند و یا جاداد و شان
باقی دهی آنها را پوره نمکند هرگاه
آومان تندرست و جوان باشند
بکارهای شاقه دولت اشتغال گردید
از وجه شهریه شان از دولت اشتغال الی
مناصف برای نفقه خود آنها داده شود
و از یک شلث الی مناصف عوض باقی ده

شان برای دولت گشاده شود و اگر
ضعیف و سال خورده باشند هیچ تکلیف
بآنها نکرده و اگر داشته شوند .

د :- کسانی که قبوله ارقط نباشند و جمله استی
خود را بعوض طلب دولت برای دولت
و اگر از باشند استی اینطور اشخاص بموجب
قباله شرعی اخذ کرده میشود و برای
نشین اینطور باقیات و مان جامی سکونت
مطابق اندازه شرع شریف داده شود و
در باره خود آنحضرت موافق تفصیل (ج)
بعمل آورده شود .

ه :- کسانی که با قیدار بوده فوت شده باشند
هر قدر از جاداد و استی آنها برای
ورثه شان مانده باشد موافق آن
از ورثه آنها گرفته شود هرگاه جاداد
موروثی اینچنین اشخاص باقی دولت را
پوره نکند باقی دولت بقسم معافی مجری

و اضافت بران بجا داد و هستی ورشته آنها
تعلق ندارد .

و :- کسانی که فوت و نامعلوم باشند و جاداد و نداشتند
باشند باقیات اینطور اشخاص بموجب
تحقیقات احکام که سند حاصل دارند در تحت
معافی آورده میشود .

و :- کسانی که بهر احوالشان قسط مقرر میشود
ادای باقیات خود هستی خود را فروخته
نیتوانند اگر بغرض ادای قسط بفروش
برسانند اصل مبلغ فروش عوض باقیات
گرفته میشود .

۵۳ :- بدون قواعدات مفصله هذا اگر بعضی فقرات پیش شود
که در جمله قواعدات این نظامنامه نیامده باشد
فقری مأمورین تصفیه محاسبه ماضیه فقرات مذکور
بطور لایحه مرتب نموده حواله شورای دولت میدهند
البته بعد از تصویب مجلس شورا و منظور مجلس عالی
وزرا بطور ضمیمه درین نظامنامه ایزاد کرده میشود .

۵۴: — کسانی که از مأمورین خلاف این نظامنامه رفتار
بدارند و یا کسانی که از حساب دمان سرکشی نمایند
مطابق نظامنامه جزای عمومی در تحت محاکمه گرفته
میشود. در کابل وزارت مالیه و در اطراف
نائب الحکومه و محکام اعلی و مستوفیان ولایات
و سر رشته داران اعلی با جزای این نظامنامه
مأمور و مکلف هستند.



مورخه ۲۰ ص ۱۳۰۲ شمس

تصفیه و ترمیم

